

استاد و درس

ادبیات، هنر، نقد

علی صفایی حائری (عین. صاد)

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرفهاسه: صفاى ؤائرى: على: ۳۰۰ صفا
اسنادو درس: ادبىاء: هنر: صفاى ؤائرى (عفن-صاد)
قم: انبشاراء لىلة القدر: ۱۳۸۶
۱۴۴ صفا
قفا
هنر -- نقد و تفسىر
هنر و ادبىاء
۵ الف ۷ ص / ۷۴۴۷ N
۷/۱
۸۴ - ۸۶ م
۷ - ۷۸۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

سرفهاسه:
عنوان و نام پدفاأورا
مشخصاء نشر
مشخصاء طأهرى:
وضعاء قهرسء نوفاى:
موضوع:
موضوع:
رده بندى كنگره:
رده بندى دفونى:
شماره كتابشناسى ملى:
شابك:

اسءاء و درس: ادبىاء، هنر، نقد

على صفاى ؤائرى (عفن-صاد)

- چاپ ششم: ۱۴۰۱
- چاپ: عمران
- شمارگان: ۱۰۰۰
- ءلفن مركز فروش: ۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸ / ۰۲۲-۹۱۲۷۴۶۱
- همه ؤقوق افن اءرمءلق به ناشراسء



انبشاراء لىلة القدر
۳۷۷۱۲۳۲۸-۰۲۵



انبشاراء ذكرا
۴۵۷۸۰-۸۶-۰۲۱

فهرست

۷	مقدمه
	فصل اول: هنر و ادبیات
۱۵	جریان هنر
۱۷	جریان هنر در هنرمند
۲۷	جریان هنر در تاریخ
۲۹	نظریه‌ها
۲۹	خاستگاه هنر
۳۵	تحلیل اجتماعی
۳۸	جریان هنر
۴۰	آفرینش هنری، حدود هنر و علم و فلسفه
۴۳	سبک، عنصر اساسی هنر
۵۱	خلاصه
۵۵	مروری بر این تحلیل
۶۳	تنوع هنرها
۶۸	رابطه هنر و نظر با عمل

فصل دوم: نقد

۷۵	طرحی تازه
۷۹	مفهوم نقد
۸۵	سرگذشت نقد
۸۹	معیارهای نقد
۹۰	معیار واقع‌گرایی
۹۱	معیار حقیقت یا واقعیت مطلوب
۹۴	معیار توقع اجتماعی، مقبولیت
۹۶	معیار زیبایی

فصل سوم: مفاهیم

۱۰۱	جمال و زیبایی
۱۱۱	حقیقت
۱۱۵	واقعیت
۱۲۵	زبان هنر
۱۳۳	شخصیت، سبک، تعهد
۱۴۱	حرف آخر

مقدمه

حوزه در رابطه با ادبیات، درس‌هایی دارد. در این درس‌ها به معیار نقد ادبیات؛ یعنی فصاحت و بلاغت می‌رسیم. مفهوم بلاغت، در رابطه با مخاطب و در رابطه با ادیب و در رابطه با کلام، در علوم معانی و بیان و بدیع و عروض، بکار گرفته می‌شود.

در علم معانی، اسناد و مسند و مسندالیه و متعلقات در رابطه با حال مخاطب، شکل‌های گوناگون می‌گیرد، زیبایی و جمال آن نقد می‌خورد، همان‌طور که ایجاز و اطناب و فصل و وصل کلام معیارهایی بدست می‌آورد.

در علم بیان، تخیل ادیب صورت‌های بیان خودش را می‌یابد و حقیقت و مجاز و تشبیه و استعاره و کنایه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در علم بدیع، زیبایی کلمات و ترکیب‌ها و محسنات لفظی و معنوی و در عروض، وزن‌ها و افاعیل عروضی تحلیل می‌شوند. می‌بینیم که چگونه در این کتاب‌ها و درس‌ها، بلاغت، این معیار زیبایی و نقد، مخاطب و ادیب و کلمات و ترکیب‌ها را در نظر می‌گیرد. حال مخاطب و خیال ادیب و زیبایی

کلمات و مراعات وزن‌ها، همه و همه در نقد هنر و ادبیات سهم می‌برند. اما از آنجا که معیار زیبایی و نقد چیزی بیشتر از فصاحت و بلاغت است.

و از آنجا که خود بلاغت به تحلیلی عمیق‌تر نیاز دارد، که گذشته از حال مخاطب، ناخودآگاه او را و گذشته از خیال هنرمند، شخصیت و سبک او را و گذشته از زیبایی کلمات و اوزان عروضی، به حال و هوای کلمات و فضای روانی و اجتماعی آن‌ها راه بیابد و بتواند هنر را نه همچون ابزاری برای سرگرمی در دنیای موجود، که همچون دریچه‌ای به سوی دنیای مطلوب ببیند و بتواند این واقعیت را در هنر بشناسد که بزرگ‌تر از زندگی است و بتواند بفهمد که هنر واقع‌گراست، اما از آنجا که این همه حرف ناگفته مانده، ما به اصولی دیگر و تحلیلی عمیق‌تر از آنچه در کتاب‌های بلاغتی و صور خیال آمده، محتاجیم و تنها مطول و مختصر درمان بی باری ادبیات نخواهد بود که خیال کنیم بررسی‌های مطولانه، هنر را و ذوق را زنده می‌کند.

در علوم بلاغتی موجود، مفاهیم اساسی هنر و ادبیات از نظر دور مانده است. زیبایی، حقیقت، واقعیت و واقعگرایی، تعهد و التزام، ذوق، درک مشترک انسان از زیبایی‌ها، سبک، شخصیت هنرمند و تحلیل آن، شکل‌های گوناگون هنر و زمینه‌های روانی و اجتماعی آن، هیچ مورد ارزیابی قرار نگرفته و همین است که ما به کاری جدی و عمیق نیاز داریم تا بتوانیم بر اساس فلسفه‌ای جدید، تئوری دیگری ارائه بدهیم و ریزه‌خوار تحلیل‌های روانی فروید و برداشت‌های اجتماعی سوسیالیسم نباشیم.